

# پنج افسانه

(متن هندی کلیله و دمنه)

## ۹۵ قصه از متن اصلی پنجه تتره

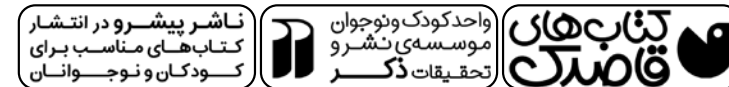
ترجمه‌ی آذر رضایی (رحماندوست)



## به نام فدای مهربان



این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب برای دانش‌آموزان متوسطه اول کلیه‌ی پایه‌ها دانسته شده است.



دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه همکف واحد ۱  
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷  
اینستاگرام: ghasadakbooks • تلگرام: @ghasedakbooks • فروشگاه آنلاین: www.ghasedakbooks.ir

### پنج افسانه

ترجمه‌ی آذر رضایی (رحماندوست)  
مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان  
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک  
زیر نظر شورای بررسی  
لیتوگرافی: گلپا • کد: ۷۸/۰۸۴  
چاپ نهم: ۱۴۰۰ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۰۸۴-۷  
کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

سرشناسه: کلیله و دمنه - ویشنو شرما Visnu serma  
عنوان و نام پدیدآور: پنج افسانه / ۹۵ قصه از متن اصلی پنجه تنتره (کلیله و دمنه)  
نوشته‌ی ویشنو شرما / ترجمه‌ی آذر رضایی (رحماندوست).  
مشخصات نشر: تهران: ذکر. مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص: مصور.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۰۸۴-۷ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
شناسه افزوده: ویشنو شرما Visnu serma  
شناسه افزوده: رضایی (رحماندوست)، آذر، ۱۳۳۷، مترجم  
رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۷۸ پ ۸ ک / P Z ۳۷۵۸  
رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۲۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۸۶ - ۷۸

## فهرست مطالب

### فصل اول:

۱۲	جنگ و درگیری میان دوستان
۱۲	آغاز درگیری
۱۵	داستان میمون و کنده درخت
۲۰	داستان شغال و طبل
۲۶	داستان دانتیلای بازرگان
۳۳	داستان شغال و راهب هندو
۳۷	داستان مار کبری و کلاغ
۳۸	داستان ماهیخوار و خرچنگ
۴۳	داستان شیر و خرگوش
۴۹	قصه پشه و کک
۵۱	داستان شغالی که در خمیره رنگ افتاد
۵۴	داستان شیر و شتر و شغال و کلاغ
۵۸	داستان دریا و پرنندگان
۵۹	داستان لاک‌پشتی که از چوب افتاد
۶۱	داستان سه ماهی
۶۳	داستان فیل و گنجشک
۶۹	داستان شیر و شغال
۷۴	داستان پرنده و میمونها
۷۵	داستان گنجشک و میمون
۷۵	داستان داراما و پاپایو
۷۹	داستان ماهیخوار احمق و مار سیاه
۸۲	داستان ترازوی آهنی و پسر تاجر
۸۵	داستان شاه و میمون احمق
۸۵	داستان دزد و برهمن

### فصل دوم:

۸۹	به دست آوردن دوستان
۹۷	داستان موش و مرتاض
۱۰۰	داستان همسر برهمن
۱۰۴	داستان پسر تاجر
۱۱۰	داستان بافنده

### فصل سوم:

کلاغها و جغدها	۱۲۲
داستان دشمنی کلاغها و جغدها	۱۲۶
داستان فیلهها و خرگوشها	۱۲۹
داستان خرگوش و کبک	۱۳۳
داستان برهمن و سه کلاهبردار	۱۳۶
داستان کشاورز و مار کبری	۱۴۰
داستان فاخته و شکارچی	۱۴۳
داستان تاجر بیره، پسر جوان و دزد	۱۴۶
داستان دزد و برهمن و دیو	۱۴۷
داستان دو مار	۱۴۹
داستان ازدواج موشی ماده	۱۵۲
داستان شکارچی و پرنده‌ای که فضله‌اش تبدیل به طلا شد	۱۵۷
داستان شیر و شغال و غار	۱۵۸
داستان قورباغه‌ها و مارسیاه	۱۶۳

### فصل چهارم:

از دست دادن سود	۱۶۷
داستان قورباغه و مار و مارمولک	۱۷۳
داستان شیر و خر	۱۷۸
داستان کوزه‌گر	۱۸۱
داستان شیرماده و شغال جوان	۱۸۳
داستان شاه و وزیر و همسران آنها	۱۸۶
داستان خر و مرد رختشوی	۱۸۷
داستان شتری که زنگی بزرگ برگردن داشت	۱۹۰
داستان شیر و شغال و پلنگ و ببر	۱۹۳
داستان سگی که به دیار غربت رفت	۱۹۵

### فصل پنجم:

عکس العمل ناپهنگام	۱۹۷
داستان راسو و همسر برهمن	۲۰۰
داستان جویندگان گنج	۲۰۱
داستان برهمنی که باعث مرگ خودش شد	۲۰۶
داستان قورباغه و ماهیها	۲۰۹
داستان خر آوازخوان	۲۱۲
داستان پارچه‌باف نادان	۲۱۴
داستان پدر شرما	۲۱۷
داستان شاه چاندارا	۲۱۸

### پیشگفتار

کتاب «پنجه‌تنتره» یا «پنج فصل» که در ایران به نام «کلیله و دمنه» معروف شده، حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (۲۲۰۰ سال پیش) به وسیله دانشمندی هندی به نام «ویشناشرما» به زبان «سنسکریت» نوشته شده است.

این کتاب از پنج قصه بلند تشکیل شده است. در دل هر قصه بلند، قصه‌های کوتاه دیگری وجود دارد. به طوری که تعداد قصه‌های کتاب به ۹۵ قصه می‌رسد. تمامی حکایت‌های این کتاب را ویشناشرما نوشته است. زیرا ریشه بعضی از قصه‌ها به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد (۳۵۰۰ سال پیش) می‌رسد.

این کتاب در هندوستان جز «پنجه‌تنتره» نام‌های دیگری مثل «پنچاکیانه» یعنی پنج‌افسانه یا پنج داستان هم داشته است.

در زمان انوشیروان (حدود ۱۴۰۰ سال پیش) و به دستور او، این کتاب توسط برزویه طبیب از زبان سنسکریت به زبان پهلوی ترجمه شد و به ایران آمد. انتقال این کتاب به ایران، داستان زیبا و پرماجرایی دارد که باید در جای دیگر به آن پرداخت.

حدود صد سال بعد، این کتاب توسط روزبه مشهور به عبدالله بن مقفع از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه شد، و چهارصد سال بعد از آن، یعنی در سالهای ۵۳۰ تا ۵۴۰ هجری این کتاب به وسیله نصرالله منشی از عربی به فارسی ترجمه شد و با نام «کليلة و دمنه» انتشار یافت.

با این که «کليلة و دمنه» از نظر ادبی بسیار زیباست، اما با اصل کتاب پنجه‌تتره فرق زیادی دارد. زیرا مستقیماً از زبان سنسکریت به زبان فارسی ترجمه نشده است. ترجمه آن از سنسکریت به پهلوی و از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی با تغییرات زیادی همراه بوده است. تا آنجا که می‌توان گفت کتاب کليلة و دمنه ترجمه آزاد و برداشتی شخصی از مادر خود، پنجه‌تتره است.

رودکی شاعر بزرگ ایرانی این کتاب را به شعر ترجمه کرده است. متأسفانه از ترجمه رودکی بیش از ۲۵۰ بیت باقی نمانده است.

علی کاشفی سبزواری نیز کتاب کليلة و دمنه را به زبان فارسی ترجمه کرده است. او سعی کرده که این کتاب را به زبانی ساده‌تر از زبان نصرالله منشی ترجمه کند، اما باز هم زبان ترجمه او برای همه مردم قابل فهم نیست. کاشفی ترجمه خودش را «انوار سهیلی» نام نهاد. در انوار سهیلی بیش از صد حکایت وجود دارد. یعنی تعدادی از قصه‌های آن در پنجه‌تتره نبوده و بعداً به کتاب افزوده شده است.

حدود ۵۰۰ سال پیش، یکی از پادشاهان فارسی زبان هند به نام «اکبرشاه گورکانی» دستور داد که کتاب پنجه‌تتره مستقیماً از زبان سنسکریت به فارسی ترجمه شود.

به دستور او «مصطفی خالقداد عباسی» کتاب پنجه‌تتره را از سنسکریت به فارسی ساده و قابل فهم مردم ترجمه کرد. او نام کتابش را «پنچاکیان» یعنی پنج داستان یا پنج افسانه گذاشت.

کتاب پنجه‌تتره تاکنون به بیش از پنجاه زبان دنیا ترجمه شده است. این کتاب در عصر خود یک کتاب سیاسی بوده است. زیرا در آن از زبان حیوانات به رفتار غلط شاهان اشاره شده و کشورداری و رفتار درست به حاکمان زمان گوشزد شده است. نویسنده این کتاب سعی کرده است که در قالب داستانهای شیرین، راه و رسم درست زندگی کردن را به خوانندگانش بیاموزد.

در سال ۱۹۹۱ میلادی یک نویسنده هندی به نام «چاندیرامانی» این کتاب را از زبان سنسکریت به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرد. او چون تصمیم گرفته بود که ترجمه‌اش قابل استفاده برای نوجوانان باشد، در ترجمه خود بعضی از قصه‌ها را که برای نوجوانان مناسب ندانسته، حذف کرده است.

«چاندیرامانی» در مقدمه کتابش می‌نویسد که هفت سال برای ترجمه پنجه‌تتره از زبان سنسکریت به زبان انگلیسی، زحمت کشیده است.

کتابی که هم‌اکنون در دست شماست، ترجمه کتابی است که چاندیرامانی به زبان انگلیسی چاپ و منتشر کرده است.

من برای ترجمه این کتاب از انگلیسی به فارسی، بیش از یک سال و نیم وقت صرف کرده‌ام. علاوه بر ترجمه، سعی کرده‌ام آن را با کتاب فارسی «پنچاکیان» تطبیق دهم. در اواخر سال ۱۳۷۶ ترجمه کتاب و مقایسه آن را تمام کردم و آن را برای ویرایش و ساده‌نویسی به همسر آقای مصطفی رحماندوست سپردم.

من که هرگز از خواندن قصه‌های بسیار شیرین، دلنشین و آموزنده این کتاب سیر نشده‌ام. امیدوارم که این ترجمه مورد قبول و استفاده نوجوانان و جوانان ایرانی قرار بگیرد و آنها نیز از این دریای پر بار قصه‌های خواندنی و به یادماندنی بهره بگیرند و لذت ببرند.

از مدیرعامل موسسه نشر و تحقیقات ذکر که این کتاب گرانبها را برای ترجمه در

اختیار من گذاشتند و تأخیرهای مرا با حوصله و شکیبایی تحمل کردند، سپاسگزارم.  
و سخن آخر این که:

خدا را شکر می‌کنم که توفیق ترجمهٔ چنین کتاب ارزشمندی را نصیب من کرد.  
لازم می‌دانم از دخترم «مونس» به خاطر این که مرا در ترجمهٔ کتاب یاری داده  
است، تشکر کنم.

دلگرمیها و تشویقهای همسر - آقای مصطفی رحماندوست - بیش از هر عامل  
دیگری مرا به ادامهٔ کار و تحمل دشواریها واداشت.

از او به خاطر تذکراتی که در طول کار ترجمه به من داده و نیز به خاطر این که  
ویرایش این اثر را پذیرفته است، سپاسگزارم و در نهایت ترجمهٔ این کتاب را به او که  
برایم همچون معنی نامش «برگزیده» است، تقدیم می‌دارم.

آذر رضایی

تابستان ۱۳۷۷

یکی بود، یکی نبود. در جنوب هندوستان شهری بود به نام «ماهی لارو». بر این  
شهر پادشاهی حکمروایی می‌کرد که سه پسر داشت. با این که خود پادشاه آدم  
فهمیده و باهوشی بود و هنرهای زیادی داشت، هر سه پسر او بیکاره و نادان بودند.  
آنها اصلاً درس نخوانده بودند و از قوانین زندگی چیزی نمی‌دانستند.

پادشاه که از وضع پسرانش خیلی ناراحت بود، یک روز وزیرانش را جمع کرد و به  
آنها گفت: «همهٔ شما می‌دانید که پسران من آدمهای بی‌سواد و به‌درد نخوری‌اند.  
من از این مسئله خیلی رنج می‌برم. کاش اصلاً این پسرها را نداشتم. زیرا از قدیم  
گفته‌اند اگر آدم بچه نداشته باشد، یا بچه‌هایش بمیرند، بهتر از این است که بچه‌های  
نادان و احمق داشته باشد. زیرا آن دو درد یک بار آدم را ناراحت می‌کنند، درحالی که  
بچه‌های نادان و احمق تا پایان عمر باعث رنج و عذاب‌اند. گاوی که نه شیر بدهد و  
نه گوساله بزاید، چه فایده‌ای دارد؟ این چنین گاوی درست مثل بچه‌ای است که  
نادان و کودن باشد. من شما را جمع کرده‌ام تا برای مشکل من فکری بکنید. به من  
بگویید چگونه می‌توانم پسرانم را با دانش آشنا کنم و به آنها راه و رسم درست  
زندگی کردن را بیاموزم؟»

یکی از وزیران پیش آمد و گفت: «پادشاه! تربیت فرزندان شما کار دشواری است. زیرا دوازده سال طول می‌کشد تا آنها فقط باسواد شوند. پس از آن سالهای زیادی هم طول می‌کشد تا آموزگاران بتوانند ریاضی و علوم دیگر را به آنها بیاموزند.»

پادشاه غمگین تر شد. در این هنگام یکی دیگر از وزیران پیش آمد و گفت: «عمر آدم کوتاهتر از آن است که سالهای زیادی را به آموختن درس بگذرانند. ما باید راه کوتاهتری را پیدا کنیم تا شاهزاده‌ها بتوانند در مدت کمتری از بی‌سوادی و گمراهی نجات پیدا کنند. من برهمنی<sup>۱</sup> را می‌شناسم که به تمامی علوم آگاهی دارد. اسم او ویشناشرماست و در میان پیروانش از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار است. پیشنهاد می‌کنم که پادشاه تعلیم و تربیت فرزندان خود را به ویشناشرما بسپارد.»

پادشاه، ویشناشرما را به دربارش دعوت کرد و به او گفت: «استاد بزرگ! خواهش می‌کنم تعلیم و تربیت فرزندان مرا به عهده بگیرید و درس خوب زندگی کردن را به آنها بیاموزید. اگر این مسئولیت را قبول کنید، دستور می‌دهم که مالیات صد روستا را به شما بدهند.»

ویشناشرما در جواب پادشاه گفت: «من به فکر ثروتمند شدن نیستم. هشتاد سال از عمرم می‌گذرد و در وضعی هستم که بتوانم خواسته‌های خودم را نادیده بگیرم. من به شما قول می‌دهم که در عرض شش ماه آداب خوب زندگی کردن را به پسران شما بیاموزم. من دوست ندارم که علم و دانشم را به پول بفروشم. اگر نتوانستم در این مدت کوتاه علوم لازم را به پسران شما بیاموزم، از شهرت و موقعیتی که دارم، دست خواهم کشید.»

شاه و وزیرانش از حرفهای برهمن شگفت‌زده شدند. شاه دیگر حرفی نزد و

تعلیم و تربیت پسرانش را به او سپرد.

ویشناشرما پسران شاه را به معبد دور افتاده خود برد. در آنجا گفتن قصه بلندی را برای پسران پادشاه آغاز کرد. قصه او از پنج فصل تشکیل شده بود:

فصل اول. جنگ و درگیری میان دوستان

فصل دوم. به دست آوردن دوستان

فصل سوم. کلاغها و جغدها

فصل چهارم. از دست دادن سود

فصل پنجم. عکس‌العمل نابهنگام

۱. برهمن : پیشوای مذهبی هندوها.